

نقش دین در دنیای معاصر



محسن کدیور

۲۰ اسفند ۱۳۹۹

این بحث در پی پاسخ به هشت پرسش مرتبط با عنوان فوق است.

۱- مراد از دین چیست؟ دین در دائرة المعارف بریتانیکا اینگونه تعریف شده است: «رابطه انسانها با آنچه

که آنها مقدس، مطلق، معنوی، الهی یا قابل احترام خاص می دانند. همچنین معمولاً به عنوان روشی در نظر گرفته می شود که مردم بر اساس آن با نگرانی های نهایی در مورد زندگی و سرنوشت خود پس از مرگ مقابله می کنند. در بسیاری از سنت ها، این رابطه و این نگرانی ها در ارتباط با یا نگرش فرد به خدایان یا ارواح بیان می شود. در اشکال انسان گرایانه یا طبیعت گرایانه تر دین، آنها بر اساس رابطه یا نگرش فرد نسبت به جامعه انسانی گسترده تر یا جهان طبیعی بیان می شوند. در بسیاری از ادیان، متن ها دارای جایگاه کتاب مقدس هستند و به نظر می رسد که افراد با اقتدار معنوی یا اخلاقی سرمایه گذاری می شوند. پرستش گران و عبادت کنندگان در این مراسم شرکت می کنند و غالباً موظف به انجام اعمال عبادی یا تأمل آمیز مانند نماز، مراقبه یا مناسک خاص هستند. پرستش، رفتار اخلاقی، اعتقاد درست و مشارکت در نهادهای دینی از عناصر تشکیل دهنده زندگی دینی است.» (۱) مهمترین ویژگی ادیان باور به امر متعالی - غالباً خداوند -، انجام مناسکی مرتبط با امر متعالی، و پشتیبانی از موازین اخلاقی است. بنابراین سه رکن ادیان عبارتند از: باور به مبدء (و معاد)، مناسک، و اخلاق.

۲- ادیان در دوران پیشامدرن چه نقشی و چه عوارض منفی و مثبتی برای جوامع انسانی داشته

اند؟ نقش ادیان در دوران پیشامدرن نقشی بیش از سه امر فوق بوده است. ادیان نقش فلسفه، علم، قانون، طب، و ستاره شناسی را هم به عهده داشته اند. در کنار حفظ سنتهای دینی و نهادینه کردن اخلاق، ادیان در رواج

خرافات، تعصب، نارواداری و خشونت‌های مذهبی، و سودجویی و اقتدارطلبی روحانیون نقش داشته اند. گل بدون خار نمی شود. تفصیل این بحث مجال دیگری می طلبد.

۳- نقش ادیان در جنگ، صلح، خشونت و همزیستی جوامع چگونه بوده است؟ ادیان هم نقش مثبت و سازنده داشته اند هم نقش منفی و مخرب؛ هم عامل وصل، صلح و همزیستی مسالمت آمیز بوده اند هم علت بسیاری از خونریزی‌ها و قساوت‌ها و جنگ‌ها. اروپای قرن وسطی پر است از جنگ‌های خونین مذهبی. در شرق اسلامی و غیراسلامی هم بسیاری از جهانگشایی‌ها و خشونت‌ها به نام دین توجیه شده است. اما یادمان باشد میزان تلفات دو جنگ جهانی اول و دوم، کره و ویتنام که جنگ دینی یا مذهبی هم نبوده از تلفات بسیاری از جنگ‌های دینی و مذهبی طول تاریخ بیشتر بوده است!

۴- ادیان در دنیای امروز چه نقشی دارند یا باید داشته باشند؟ قبل از پاسخ به این سوال مهم به این آمار توجه کنید:

حدود ده هزار دین و آئین در جهان شناسایی شده است. بیش از ۸۴٪ مردم جهان معتقد به یکی از ادیان بزرگ هستند. ۵۵٪ مردم جهان پیرو ادیان ابراهیمی هستند. در خوشبینانه ترین حالت جمعیت خداناباوران کمتر از ۷٪ جمعیت جهان است. (۲) بر اساس تحقیق مرکز پژوهشی پیو درباره آینده ادیان جهانی: پیش‌بینی رشد جمعیت ۲۰۱۰-۲۰۵۰، چرا مسلمانان سریع‌ترین رشد را دارند و سهم افراد غیروابسته به ادیان جهانی رو به کاهش است؟ نتایج ذیل به دست آمده است:

تا سال ۲۰۵۰ جمعیت پیروان مسیحیت و اسلام تقریباً مساوی خواهند بود. خداناباوران، لادری‌ها و آنها که هیچ دینی را باور ندارند - علیرغم افزایش در کشورهای مثل آمریکا و فرانسه - درصدشان در جهان کاهش می یابد. در اروپا مسلمانان ۱۰٪ کل جمعیت را تشکیل خواهند داد. هندوستان با اینکه با اکثریت هندو باقی خواهد ماند اما در عین حال پرجمعیت‌ترین جمعیت مسلمان را هم خواهد داشت، بیش از اندونزی. درصد مسیحیان در

آمریکا از سه چهارم به دو سوم کاهش خواهد یافت. یهودیان از پرجمعیت ترین بخش غیرمسیحی به رده دوم آمریکا سقوط خواهند کرد و مسلمانان رده اول این گروه را به خود اختصاص خواهند داد. (۳) آمار جمعیت و میزان رشد ادیان بزرگ جهان (۲۰۱۰-۲۰۵۰) و تخمین تغییر جمعیت این ادیان در چهل سال مذکور در ضمن دو جدول در انتهای این بحث قابل ملاحظه است.

با نگاهی به این آمار می توان گفت که ادیان در دنیای امروز بی اهمیت نیستند. در کشورهای پیشرفته دین از صحنه علوم، قانونگذاری و سیاست تا حدود زیادی عقب رانده شده است. در کشورهای در حال پیشرفت در این سه ناحیه دین همچنان حضور دارد اما این حضور نسبت به سابق بسیار کاهش یافته است.

اما جزء اصلی سوال این است: **ادیان در دنیای امروز چه نقشی باید داشته باشند؟** به نظرم مهمترین نقش بایسته دین معنی بخشی به زندگی و جلوگیری از افسردگی، سرگشتگی و پوچی انسان معاصر است. ساحت‌هایی از زندگی هست که با علم و تکنولوژی - هرچقدر پیشرفته - پرشدنی نیست. علم برای ما رفاه می آورد، چشم ما را به ظرایف عالم طبیعت در زمین و کهکشانها و عالم ذرات بازتر می کند. ما را در مواجهه با بلایای طبیعی مسلط تر می کند. توانایی علمی و تکنولوژیک انسان معاصر جداً با دورانه‌های گذشته قابل مقایسه نیست. ما در سیطره بر طبیعت تواناتر و مرفه تر شده ایم. اما آیا خوشبخت تر شده ایم؟ آیا از زندگی راضی تر شده ایم؟ آیا آمار خودکشی در جهان کمتر شده است؟ در بیست سال اخیر نرخ خودکشی در آمریکا ۳۵٪ رشد داشته است یعنی از ۱۰,۵ (ده و نیم) در هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹ به ۱۴,۲ (چهارده و دو دهم) در همان میزان در سال ۲۰۱۸ رسیده است. (۴) در سال ۲۰۱۹ مجموعاً ۴۷۵۰۰ نفر یعنی روزانه ۱۹۰ نفر در آمریکا خودکشی کرده اند، هر ۱۱ دقیقه یک مرگ ناشی از خودکشی. (۵) در دوران کورونا این نرخ رشد بسیار بیشتر داشته است که باید منتظر استخراج آمارهای آن باشیم.

باور به خدا و آخرت بزرگترین عامل امید به زندگی است. دین همچنان بزرگترین عامل اخلاقی زیستن، عدالت، صلح و کمک به هم‌نوع در غالب نقاط جهان است. این نقش کمی نیست.

۵- دینداری و خداباوری در زندگی اخلاقی اکثر مردم چه نقشی دارد؟ اخلاق امری ماقبل دینی یا

عقلی یا به تعبیر دیگر سکولار است. بنابراین اخلاق سکولار امری ممکن است و می توان اخلاقی زیست و به خدا و آخرت باور نداشت. اما نمی توان انکار کرد که ادیان بزرگترین ضامنهای اخلاقی زیستن بوده و هستند. در حقیقت انجام فعل اخلاقی دو محرک می تواند داشته باشد. محرک اول چون این فعل خوب، درست و شایسته است باید آن را انجام داد. محرک دوم: این فعل را خداوند امر کرده است که انجام دهیم و برای آن هم ثواب اخروی و برای ترکش عقاب اخروی قرار داده است، لذا انجام می دهیم. مومنان هر دو محرک را دارند، اما خداناباوران تنها محرک اول را دارند. بنابراین مومنان ضامن مضاعف برای اخلاقی زیستن دارند. امر اول عقلی است، امر دوم ارشاد به حکم عقل است. در عالم واقع هم پیامبران الهی بزرگترین پشتیبانان زندگی اخلاقی بوده اند. بنابراین می توان گفت مهمترین کارکرد دین زیست اخلاقی در دنیاست.

۶- در دوران مدرن از دین (خصوصا اسلام) چه انتظاراتی باید و چه انتظاراتی نباید داشته باشیم؟

در جای دیگر (۶) گفته ام که از اسلام هشت انتظار باید داشت، چهار انتظار نظری و چهار انتظار عملی. انتظار اول معنی بخشی به زندگی است و این بزرگترین انتظار از اسلام است و سه انتظار بعدی فرع این انتظار بنیادی است. انتظار دوم خداشناسی یا مبدعشناسی است. خدا شاخصترین محور معنای زندگی است. بدون باور به خدا یعنی جان جانان زندگی معنی حقیقی و واقعی ندارد. اگرچه وجود خدا و صفات باری عقلا قابل استدلال کردن است اما تبیینهایی که قرآن یا سنت نبوی از اسماء و صفات خداوند راه را برای مبدعشناسی بسیار هموار می کند. باور به خدای ناظر عالی دانا و توانای مطلق و در عین حال حکیم علی الاطلاق و ارحم الراحمین نگاه به زندگی را انصافا تغییر می دهد. زندگی با عشق به خدا و بدون آن زمین تا آسمان فرق می کند.

اما انتظار سوم آخرت شناسی یا باور به معاد و قیامت و روز جزاست. از منظر ادیان ابراهیمی خصوصا اسلام دنیا ظرفیت سعادت واقعی و حقیقی ندارد. باید دنیایی دیگری وجود داشته باشد که ظرفیت تحقق آن سعادت را داشته باشد. اگرچه ضرورت آخرت از منظر عقلی و فلسفی قابل استدلال است، اما جزئیات معاد و آخرت و قیامت

که اتفاقاً برای مومنان بسیار جذاب هم هست اموری فراعقلی هستند و جز از وحی بر نمی آید. علم یا فلسفه توان ترسیم قیامت ندارد. عرفان هم بدون وحی چنین توانی ندارد. چنین انتظاری از غیر از وحی الهی و سنت نبوی بر نمی آید. برای اهمیت معاد همین بس که بدانیم اگر در این دنیا بیش از چند دهه زنده نیستیم، اما زندگانیمان در آخرت بی پایان و به عبارت دیگر جاودانه است. دنیا را تنها عرصه زندگی فرض کردن مثل این است که از زندگی دنیوی غفلت شود و زندگی نه ماهه جنینی تمام زندگی انسانی فرض شود. باور به آخرت تمام هندسه زندگی دنیوی را عوض می کند.

انتظار چهارم باور به غیب و جهان نادیده است. از منظر اسلام عالم منحصر به عالم مادی دیدنی یا عالم شهادت یا عالم ظاهر یا ناسوت نیست، در پس پشت این عالم ظاهر (شهادت)، عالم باطن یا عالم غیب یا عالم مجرداتی بسیار بسیار فراختر از این دنیا است. عالم غیب واسطه تدبیر خداوند در عالم ظاهر است. عالم غیب همان عالم فرشتگان و ملکوت و جبروت است، و مطابق موازین اسلامی خداوند جز به واسطه اسباب در عالم مادی یا ناسوت تصرف نمی کند. وحی الهی نیز متعلق به همین عالم است. عالم غیب با علوم تجربی یا علوم انسانی و اجتماعی نه قابل اثبات است نه قابل انکار، بر همین منوال فلسفه نیز نمی تواند درباره جزئیات این عالم گسترده اظهار نظر کند. مشاهدات ذوقی عرفانی هم سر سفره وحی نشسته است. به عبارت دیگر تنها منبع شناخت عالم غیب، وحی و دین است. عالم غیب عالمی ماورای عقلی است یعنی فراچنگ عقل و فلسفه در نمی آید.

اما چهار انتظار عملی: انتظار پنجم ضمانت اخلاقی است. تعالیم اخلاقی در قرآن کریم بسیار برجسته است. کفه موازین اخلاقی در شریعت اسلامی بسیار سنگین است. شاکله اصلی سنت نبوی نیز اخلاقی است، تا آنجا که پیامبر توسط قرآن «اسوه حسنه» یا الگوی اخلاقی معرفی شده است. احکام اخلاقی در ادیان «احکام تاسیسی» نیستند، احکام ارشادی و ارشاد به حکم عقلی هستند. این البته تلقی معتزلی - شیعی است، در تلقی سنی اشعری انتظار اخلاقی بیش از ضمانت است، اصلاً اخلاق تاسیس خدا و رسول است. بنابراین وزن دین در انتظار اخلاقی غلیظتر است.

انتظار ششم تعلیم مناسک است. مناسک همان عبادات است. مراد از عبادات نماز، روزه، زکات و حج است که بدون قصد قربت پذیرفته نیست. عبادات فراعقلی هستند. تنها منبع آن شریعت، وحی و سنت نبوی است. نقش مناسک در تکوین هویت دینی، استمرار دین و ارتباط انسان با خدا و نیز دستگیری از خلق خدا بسیار چشمگیر است. ترک عبادات زمینه ساز ترک ایمان است. اجرای منظم عبادات در خودسازی تاثیر فراوان دارد. در حقیقت مناسک و اخلاق لازم و ملزوم یکدیگر هستند. تنها بخش تعبدی دین عبادات است. اینکه برخی روشنفکران ایرانی دین را با تعبد یکی گرفته اند اشتباه بزرگی است. نه چهار انتظار اول از دین تعبدی است نه اخلاق.

انتظار هفتم شبه مناسک است. مراد از شبه مناسک قلمرو خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و روابط جنسی است. این امور قصد قربت نمی‌خواهند، یعنی تعبدی نیستند. اما توقیفی هستند، یعنی اموری فراعقلی که اگر اشارات کتاب و سنت در متن شریعت نبود ما به آنها راه نمی‌یافتیم. این امور نه علمی هستند نه عقلی (یعنی با این دو منبع قابل اثبات یا ابطال نیستند). زندگی مومنانه در گرو رعایت این امور هم هست.

انتظار هشتم ارائه سرخط برخی معاملات است از قبیل حرمت ربا. این سرخطها هم به تنظیم سبک زندگی مومنانه بسیار کمک می‌کند.

اما از اسلام چه انتظاراتی نمی‌توان داشت؟ به طور کلی انتظاراتی که علوم تجربی، علوم اجتماعی و انسانی، و فلسفه توان برآورده کردن آنها را دارند از اسلام نباید داشت. اگر نکاتی در این زمینه‌ها در متن کتاب و سنت یافت می‌شود از یک سو ارشاد به حکم عقل است، از سوی دیگر از باب مثال و منطبق با فرهنگ زمانه است و در هر صورت از احکام دائمی اسلام نیست.

به شکل مشخص از اسلام انتظار اقتصادی نمی‌توان داشت. علم اقتصاد تابع موازین خاص خود است و اقتصاد دروان معاصر با اقتصاد بسیط دوران قبایلی مثلاً بسیار متفاوت است. از اسلام می‌توان اخلاق اقتصادی یا مکتب اقتصادی که حاوی ارزشهای اقتصادی است انتظار داشت، اما نمی‌توان تدبیر و سامان اقتصاد را از متن کتاب و سنت استخراج کرد. فقه تجارت هم هرگز معادل علم اقتصاد نیست.

انتظار سیاسی هم از اسلام نارواست. به شکل مشخص علوم سیاسی از علوم انسانی است و مناسبات سیاسی دوران پیچیده معاصر با مناسبات بسیط دوران قبایلی تفاوت جدی دارد. از کتاب و سنت می توان و باید انتظار اخلاق سیاسی یا مکتب سیاسی داشت، اما علم سیاست یا سیاست عملی و زمامداری و مدیریت را از اسلام انتظار کشیدن کاملاً نادرست است. درباره نحوه پرداختن پیامبر به زمامداری در مدینه در جای دیگر به تفصیل بحث کرده ام. (۷) زمامداری هرگز جزء رسالت نبوده و امری بشری محسوب می شده است.

واضح است که انتظار طبّی هم از کتاب و سنت نارواست. اگر در این متون نسخه طبّی یافت شود بر فرض صحت سند مربوط به شرایط خاص و افراد پرسش کننده بوده و نمی توان از اعتبار چیزی به عنوان طب اسلامی یا طب النبّی، طب الصادق یا طب الرضا دفاع کرد.

قانون اسلامی یا علم حقوق اسلامی هم بر همین روال قابل بحث است. قانون امری سازگار با شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاص است که توسط نمایندگان مردم وضع می شود و قابل تعمیم به عنوان امر فرازمانی و فرامکانی نیست. قانون با ارزش متفاوت است. شریعت شامل ارزش های جاودانه است، اما قوانین یا احکام فقهی حوزه معاملات اگر احکام ارشادی عقلی نباشند احکام متغیر و عرضی هستند و حکم دائمی شرعی یا اسلامی نیستند. بنابراین فقه سیاسی، فقه تجاری، فقه قضائی، فقه کیفری، و فقه بین الملل در زمره متغیرات و احکام غیردائمی هستند و انتظار دائمی از اسلام در این حوزه ها در دنیای معاصر نارواست. در غالب کشورهای اسلامی به استثنای جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی احکام شرعی پایه قوانین حکومتی نیست. تنها بخشی از احکام شرعی که در غالب کشورهای اسلامی به شکل ناقص اجرا می شود احکام مدنی از قبیل احکام خانواده، ارث و وصیت است. این احکام هم یا رعایت موازین اخلاق اسلامی قابل تغییر است و جزء انتظارات دائمی اسلامی محسوب نمی شود.

۷- آیا عالم یا عوالمی هست که عقل انسانی علیرغم اعتراف به وجود آن / آنها عاجز از دسترسی

به جزئیاتش باشد؟

بله. مطابق توضیحاتی که قبلاً داده شد آخرت و غیب عالمهای ماورای عقلی هستند. هیچ علمی متولی این عوالم نیست و اهمیت آنها هم به میزانی است که نادیده گرفتن آنها هندسه زندگی دنیوی را برهم می زند. ما برای زندگی دنیوی چند دهه خود تدارک فراوان می کنیم. در حالی که این زندگی موقت است، مثلاً یک قرن. زندگی اخروی حیات جاودانه است و عالم غیب در مقایسه با کهکشانها عالمی بیکرانه است.

۸- آیا انسان به اتکای عقل خود توان حل همه مسائل و مشکلاتش را دارد؟ اگر عقل و دانش انسانی

چنین توانی را داشت تا کنون حل کرده بود. مدعای این بحث این است که مسائل فراعقلی و فراعلمی هرگز توسط عقل و دانش آدمی قابل حل نیستند، به عبارت دیگر توسط انسان لاینحل هستند، به شکل مشخص: مناسک (تعبدیات)، و شبه مناسک (توقیفیات) امور فراعقلی هستند. جزئیات آخرت و عالم غیب هم دور از دسترسی عقل هستند. در رعایت احکام اخلاقی اگر راهنمایی دینی نباشد ضریب وقوع خطا بسیار بالاست. شناخت اسماء و صفات باری و معنای زندگی بدون دستگیری وحی الهی و سنت نبوی بسیار دشوار است. در مجموع ما به اتکای عقل خود توان حل مسائل و مشکلات مادی و دنیوی خود را داریم. اما مسائل مربوط به بهداشت روح و روان خود، رفع افسردگی، سرگشتگی و پوچی، رابطه بهتر با خود، و ارتباط عاشقانه با خداوند به بیش از عقل جزئی و دانش اندکمان نیاز داریم.

اما اینکه دین (مشخصاً اسلام) با عقل مدرن چه نسبتی دارد؟ با توجه به تقسیمات مختلف عقل از قبیل عقلانیت ابزاری، عقل عملی، و عقلانیت محدود پرسشی است که مجال دیگری برای بحث می طلبد. آنچه ارائه شد سرخطهای اجمالی برای بحث و گفتگوست. امیدوارم در فرصتی دیگر امکان شرح و بسط آن را بیابم.*

۱۷ اسفند ۱۳۹۹، ۷ مارس ۲۰۲۱

گفتگوی اندیشمندانه اوتاوا، کانادا

یادداشت:

1. *Encyclopedia Britannica*, Religion.
 2. *The Oxford Handbook of Atheism*
 3. [The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050. Why Muslims Are Rising Fastest and the Unaffiliated Are Shrinking as a Share of the World's Population, Pew Research Center, April 2, 2015.](#)
 4. [National Institute of Mental Health, Suicide](#)
 5. [American Foundation for Suicide Prevention](#)
۶. انتظار از دین و نواندیشی دینی، (۲ مرداد ۱۳۹۶).

۷. نسبت دین و سیاست: از اسلام در حوزه سیاست چه انتظاراتی نباید داشته باشیم؟ (۱۴ دی ۱۳۹۹).

* بعد از سخنرانی، حاضران در جلسه که غالباً فارغ التحصیلان دانشگاه اتاوا از کانادا از جمله اساتید این دانشگاه در رشته های مختلف بودند دیدگاهها و پرسشهای خود را در دو نوبت مطرح کردند. برای آزادی بیشتر پرسشگران به پیشنهاد میزبان این قسمت ضبط نشد، و تنها سخنرانی و پاسخهای سخنران در دو نوبت ضبط شد که در دنبال قابل دسترسی است.

Size and Projected Growth of Major Religious Groups

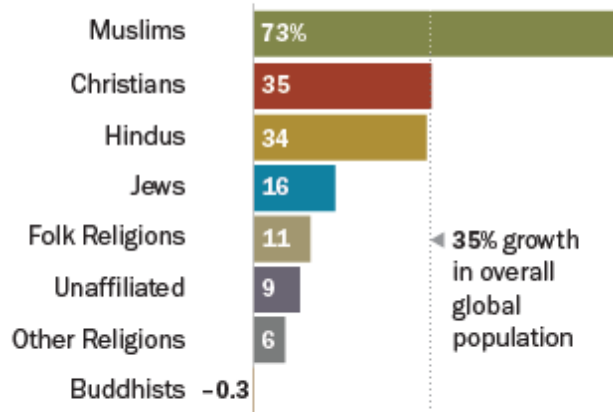
	2010 POPULATION	% OF WORLD POPULATION IN 2010	PROJECTED 2050 POPULATION	% OF WORLD POPULATION IN 2050	POPULATION GROWTH 2010-2050
Christians	2,168,330,000	31.4%	2,918,070,000	31.4%	749,740,000
Muslims	1,599,700,000	23.2	2,761,480,000	29.7	1,161,780,000
Unaffiliated	1,131,150,000	16.4	1,230,340,000	13.2	99,190,000
Hindus	1,032,210,000	15.0	1,384,360,000	14.9	352,140,000
Buddhists	487,760,000	7.1	486,270,000	5.2	-1,490,000
Folk Religions	404,690,000	5.9	449,140,000	4.8	44,450,000
Other Religions	58,150,000	0.8	61,450,000	0.7	3,300,000
Jews	13,860,000	0.2	16,090,000	0.2	2,230,000
World total	6,895,850,000	100.0	9,307,190,000	100.0	2,411,340,000

Source: The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050
PEW RESEARCH CENTER

Islam Growing Fastest

Muslims are the only major religious group projected to increase faster than the world's population as a whole.

Estimated change in population size, 2010-2050



Source: The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050

PEW RESEARCH CENTER



kadivar.com

<https://kadivar.com/18604/>

kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.